نویسنده مسئول است، حتی پس از نقطه‌ی پایان

13 تیر 1404

محسن ساکتی؛مدیر انتشارات شمع آوید

نوشتن یک کتاب، فقط به‌معنای آماده‌سازی آن برای چاپ نیست؛ بلکه لحظه‌ای‌ست که بخشی از وجود نویسنده به شکلی مستقل در جهان حاضر می‌شود. اگر نویسنده کتابی می‌نویسد، باید بپذیرد که آن‌چه بر صفحه آورده، نه تنها کلمات، بلکه رگه‌هایی از گوشت و خون و اندیشه‌ی اوست.

کتاب، اگر اصیل باشد، بخشی از جانِ نویسنده را در خود دارد. از همین‌رو، مسئولیت پدیدآورنده، با چاپ کتاب پایان نمی‌پذیرد، بلکه آغاز می‌شود، چنان‌که با تولد یک کودک، تازه بار مسئولیت پدر و مادر بر شانه‌هایشان می‌نشیند.

نویسنده‌ای که اثرش را رها می‌کند، گویی فرزندی را بی‌سرپناه به جهان آورده و در میانه‌ی هیاهو، تنها رهایش ساخته. کتاب، برای زنده‌ماندن و اثرگذار بودن، نیاز به بالندگی دارد؛ نیاز به دیده‌شدن، شنیده‌شدن، فهمیده‌شدن. نه صرفاً به‌منظور فروش، که برای تحقق معنا. کتابی که اندیشه‌ای در خود نهفته دارد، نمی‌تواند در قفسه‌ها بخسبد و انتظار فهم داشته باشد. باید فریاد بزند، باید با خواننده گفت‌وگو کند، باید صدایش شنیده شود. و این صدا، وظیفه‌ی پدیدآورنده است که پژواک آن را در جهان طنین‌انداز سازد.

نویسنده باید بداند که کتاب، چون هر موجود زنده‌ای، نیاز به حامی دارد. باید دست‌گیری‌اش کند در مواجهه با ناآگاهی، با بدفهمی، با خاموشی. در دنیای امروز که هر محصول با بسته‌بندی حرفه‌ای و تبلیغات گسترده دیده و فهمیده می‌شود، کتاب نمی‌تواند صرفاً با جلد و عنوانش، پیام پنهان در سطرهایش را منتقل کند. جلد و پشت‌جلد، فقط لبخند مبهمی‌ست بر چهره‌ی ناشناخته‌ای. معنا در ژرفای متن است؛ در سطرها، در سکوت میان واژه‌ها، در چرخش اندیشه‌هایی که اگر همراهی نشوند، گم می‌شوند.

پدیدآورنده، اگر واقعاً نویسنده باشد، باید در کنار اثرش بماند. باید به آن بیندیشد، آن را تفسیر کند، آن را از دستبرد سوءتفاهم‌ها نجات دهد، و در گفت‌وگوهای پس از انتشار، حضور داشته باشد. نویسنده‌ی اصیل، نه فقط خالق اثر، که مربی آن است؛ نه تنها آفریننده، که همراهی‌گر و نگهبان و مسئول. او باید بداند که واژه‌هایی که بر زبان آورده، بر دوش او مسئولیتی نهاده‌اند: مسئولیت معنا، مسئولیت درک، مسئولیت تربیت فرهنگی.

انتشارات رویای آبی
مدیر مسوول :دکتر آرش شایسته نیا
آماده انجام سفارشات چاپ کتاب
با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۰۹۱۲۷۸۱۴۸۳۸

و این مسئولیت، نه تنها فردی‌ست، که اخلاقی‌ست. اگر نویسنده‌ای کتابی می‌نویسد، باید آن را همچون چراغی بداند که در شب تاریک، برای دیگران نیز افق بگشاید؛ نه شمعی خاموش در طاقچه‌ی خودخواهی.

کتاب، اگر حامل اندیشه است، باید با کمک نویسنده‌اش به ذهن‌های دیگر پیوند بخورد، در دل‌های دیگر روشن شود، و چون کودکی که بزرگ می‌شود و بر جهان اثر می‌گذارد، کتاب نیز راهی بگشاید در دل زندگی دیگران. و این، تنها در گرو تعهد نویسنده‌ای‌ست که فراموش نکرده باشد: آن‌چه نوشته، پاره‌ای از جانِ اوست، و جان را نمی‌توان بی‌دغدغه به دست باد سپرد.